بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام بر حضرت بقيه الله الاعظم و با درود و سلام بر نايب بر حقش امام امت، ابراهيم زمان يگانه مرجع عالم تشيع و با درود و سلام بر شهداي راه حق و حقيقت شهداي راه فضل و فضيلت از حضرت آدم صفت الله تا خاتم رسول الله و تا اماممان روح الله و تا قائم بقيه الله.

 سلام بر محمد و آلش برعلي و شيعيانش بر حضرت مهدي و نائبش امام امت و برامام و مقلدانش بر جبهه و رزمندگانش بر مرزها و سنگر نشينانش بر پيام و خونهايش بر صحنه هاي ايثار و فداكاريهايش، وصيت خود را شروع مي كنم:

السلام عليك يا خاندان اهل البيت النبوه، اي انصار امام و اي ايثارگران و شهادت طلبان كه بايد نام شما را در اوراق تاريخ ثبت كرد در زماني كه همه طاغيان و جباران دستشان تا مرفق به خون مستضعفان آلوده است و كمر به نابودي اسلام بسته اند و قصد نابودي انقلاب خونبار حسينيان را در سر دارند، من نيز مسئوليت شرعي و وظيفه خود دانستم كه در اين نبرد شركت نمايم كه در اين راه (پيروزي و شهادت) كه هر دو رستگاري است و شكر خداي را كه به من سعادت جنگيدن در راهش را عطا فرمود.

 خدايا تو نيك مي داني كه فقط براي تو و براي متعالي و خالص شدن خودم قدم در اين راه گذاشتم پس اي خداي بخشنده، قسم به بزرگيت شهادت را نصيبم گردان و اي شهيداني كه به اوج كمال خود رسيده ايد ما را نيز دعا كنيد كه در زمره شما قرار گيريم و چه زيبا و دوست داشتني است خالصانه در راه خدا قدم برداشتن و به درجه والاي انسانيت رسيدن (شهادت) و چه زشت و ناپسند است در بستر لحاف مردن كه هميشه از چنين مرگي هراس داشته ام زيرا كه دنيا و زندگي محل آزمايش است و امتحان. و چه بهتر كه فرزندان آخرت باشيم و حال كه بعد از دو نوبت به جبهه رفتن باز هم سعادتي نصيبم شد كه به جبهه جنگ اسلام عليه كفر مشرف شدم با اين وصيت نامه با دشمنان داخلي و خارجي اتمام حجت مي كنم و با آغوش باز به استقبال شهادت مي روم و شهادت دعوتي است به تمام هدايت شدگان در راه خداوند.

 و شما پدر و مادر مهربانم اميدوارم كه اگر شهادت نصيبم شدن با شنيدن چنين خبري افتخار ورزيد به اين كه يكي از فرزندان خود را در راه خدا داده ايد و بدانيد كه پدر و مادراني كه در راه خدا چنين گذشتها يي داشته باشند و يا شهامت و استقامت كنند رستگارند. و شما اي برادرن ارتشي و پاسداران و بسيجيان و ديگر نيرو هاي مردمي كه براي دفاع از اسلام عزيز مي جنگيد درود ما بر شما باد كه باعث افتخار اسلام و اين مملكت اسلامي هستيد و بدانيد كه تا شما اين چنين در راه خداوند و در خط امام حركت مي كنيد شكست نخواهيد خورد و پيروزي هميشه از آن لشگريان اسلام است، اين امام عزيز و بزرگوار را تنها نگذاريد و از اين فرزند دلبند رسول الله كه تمام احكام الهي را براي ما به ارمغان آورده است پيروي كنيد همان طوري كه در شعار هايمان گفته ايم ما ياران حسينيم و در آغوش خميني پرورش يافته ايم بايد اين شعار را به شعور تبديل كنيم.

 اي عزيزان اي مردمي كه دست عنايت حق تعالي بالاي سر شماست نكند مثل كساني باشيم كه در زمان امام حسين (ع)او را تنها گذاشتند و كسي نبود به نداي هل من ناصر ينصرني حسين لبيك گويد، هميشه بايد گوش به زنگ باشيم تا فرماني كه از گلوي اين ماه تابان و خورشيد درخشان بيرون مي آيد جامه عمل بپوشانيم چون اين دنيا عمل هست و بدون حساب و آن دنيا حساب است و بدون عمل به اين يگانه مرجع عالم تشيع و اسوه نماز شبها واسطوره مقاومتها و تقوي را ياري كنيد.

 و اي مخلوقات خداوند من اين راهي را كه رفته ام آگاهانه بوده است و با هدف مشخص زيرا در دنيا رفتن بدون آگاهي ازهدف مانند عملهايي است كه يك حيوان انجام مي دهد و ما اين درس را از علي اكبرها گرفته ايم، براستي كه شهادت فيض الهي است كه پروردگار عالم به انسانها رحمت فرموده و ما نيز به مصداق سوره شريف فتح به اذن خداوند به درستي اسلام تسليم گرديديم.

 خدايا تو شاهدي كه با تمام بار سنگين گناهان تواني كه داشتم به كار بردم تا در جهت رضاي تو حركت كنم حال نيز به جبهه پا گذاشتم اميد است با ريختن خون ناچيز خود گناهانم آمرزيده شود و آنكه شهادت يكي از آرزوهاي ديرينه خودم بود به آن فيض الهي خودم برسم.

 شهادت مرگ دلخواهي است كه مجاهد با همه شعور و منطق و آگاهي كه دارد خود انتخاب مي كند اي مردم و اي پدر و مادرم ابراهيم را كه مي شناسيد همان ابراهيم بت شكن را كه با خواست خداوند متعال اقدام به قرباني فرزند برومندش نمود و خود كارد بر گلوي او گذارد و نشان داد و به من آموخت كه حسين (ع) جان خود را و فرزندانش را تسليم اسلام نمود و چگونه امامانمان با خون خود اسلام را آبياري كردند و حال شما پدر عزيزم فرزندت را قرباني اسلام كردي و سهم خود و ثمره عمرت را به اسلام بخشيدي تا اينكه قطره خون ناقابلش را در راه حق ريخته باشد، صبر از علي (ع) بياموز از رهبرمان خميني بياموز كه در مرگ فرزند عالمش و در مرگ اميدش و اميد اسلام چه گفت و چه كرد، از حسين بياموز و از قرآن بياموز كه پياممان را به ملتهاي مستضعف برساني. پدر خدا را شكر كن و شكر اين نعمت را به جاي آور تا خود مشت محكمي بر دهان دشمن باشد و از شما مي خواهم موقعي كه من شهيد شدم از شما تقاضا ميكنم كه من را در كنار شهيد جعفر يعقوبي به خاك بسپاريد چون من اميد داشتم كه با جعفر هر دو با هم شهيد شويم ولي قسمت اين بود كه جدا, جدا بالاخره هر وقت كه در بستر خواب بودم تن من به لرزه مي افتاد و مي گفتم خدايا در بستر خواب نميرم من هراس دارم و موقعي كه عشق گردش مي كردم به جبهه ميرفتم گويا گردشگاه من در جبهه نهاده شده بود.

 و سخني چند با برادران و خواهران دارم، خواهرم حجاب تو از خون سرخ من كوبنده تر است و مادرم تو بايد زينب وار در برابر مشكلات و سختي ها مقاوم باشيد و سعي كنيد كه الگوي جامعه براي اسلام قرار بگيريد همان طور كه امام عزيز مي گويد خانواده هاي شهدا چشم وچراغ اين ملت هستند و شما برادرانم و شما بايد در اين جامعه اسلامي فعاليتهايتان بيشتر از مردم باشد و شما بايد اسلحه افتاده شده بر روي زمين كه از دست شهدا افتاده برداريد و با خصم زبون و بعث افلقي برستيز برخيزيد.

 در پايان وصيت نامه ام امام را دعا كنيد و او را تنها نگذاريد،اسلامي كه با خون هزاران هزار جوان به پيروزي رسيده حفظ كنيد انقلاب را ياري كنيد به انقلاب ضربه نزنيد خداحافظ تا روز محشر.

عبد الرضا سالمي